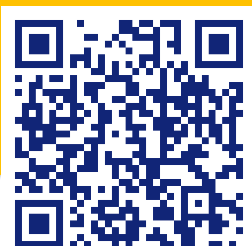


بی ثباتی قیمت کالاها و خدمات؛ علل و راهبردها



معاونت بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



تهیه شده در:

معاونت بررسی های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

دی ۱۴۰۳

از طریق پست الکترونیکی زیر می توانید پیشنهادات و نظرات اصلاحی خود را به واحد

مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

خلاصه مدیریتی.....	۴
مقدمه.....	۶
۱. بی‌ثباتی قیمتی چیست و از کجا نشات می‌گیرد؟.....	۷
۲. نمایی از بی‌ثباتی قیمت‌ها در صنایع مختلف.....	۱۴
۳. تبعات منفی نوسان قیمت‌ها در اقتصاد.....	۱۸
۴. دستیابی به ثبات قیمت‌ها.....	۱۹
۵. نتیجه‌گیری.....	۲۲
منابع.....	۲۳

خلاصه مدیریتی

بروز بی ثباتی در بازارهای کالا و خدمات و دارایی یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مردم و فعالان اقتصادی در حال حاضر است. تورم یکی از عوامل اثرگذار بر توزیع نابرابر درآمد و ثروت، فشار اقتصادی بر دهک‌های ضعیف جامعه، بروز نااطمینانی در اقتصاد، کاهش افق‌های سرمایه‌گذاری و در پی آن کاهش رشد اقتصادی است همچنین تورم بالا کارایی سیاست‌های دولت را کاهش داده و حتی در برخی مواقع خنثی می‌کند. طی چند دهه اخیر تورم بالا و پیوسته مشکل عمده اقتصاد ایران بوده به طوری که متوسط نرخ تورم در طول چهار دهه اخیر ۲۰ درصد بوده است. تورم بالا و بی ثبات، علاوه بر آثار مخرب نامبرده موجب بی‌اعتمادی مردم جامعه به سیاست‌های سیاستگذاران کلان اقتصادی به ویژه دولت و بانک مرکزی شده و استمرار روند آن می‌تواند بی ثباتی سیاسی و اقتصادی کشور را در پی داشته باشد. از این رو شناخت عوامل موثر بر بروز بی‌ثباتی قیمت‌ها و راهکارهای مقابله با آن نه تنها به استقرار عدالت اجتماعی کمک می‌کند، بلکه گامی موثر در جهت ثبات اقتصادی خواهد بود. در این راستا ابتدا به این سوال پاسخ داده خواهد شد که منشا بی‌ثباتی قیمت‌ها در چیست؟ در پاسخ نوسان نرخ ارز و رشد حجم پول و نقدینگی در کنار برخی ضعف‌های ساختاری مهم‌ترین موتورهای خلق تورم شناسایی شده‌اند. در توضیح رشد حجم پول باید گفت، طی سال‌های اخیر از سهم شبه پول در نقدینگی کاسته شده و بر سهم پول افزوده شده است. انبساط پول و سیال شدن نقدینگی زمینه ایجاد تورم را افزایش داده و می‌تواند عامل تهدیدکننده در تعادل بازارها باشد. درخصوص نرخ ارز نیز، از سال ۱۳۹۷ تا کنون با نوسانات گسترده و تغییرات بسیاری مواجه بوده است. افزایش نرخ ارز و به موازات آن افزایش انتظارات تورمی موجب سرریز نقدینگی به سوی بازار دارایی‌ها و اخلاف در این بازارها می‌شود.

از جمله تبعات منفی بی‌ثباتی قیمت‌ها در اقتصاد نااطمینانی، کسری بودجه دولت، توزیع درآمد به نفع طبقات بالا، تضعیف پول ملی و افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاری گزارش شده است. از این رو اقداماتی در زمینه مدیریت بازار ارز (حداقل‌سازی نوسان نرخ و جلوگیری از ایجاد تکانه ارزی)، کنترل نقدینگی، کنترل انتظارات تورمی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، پرهیز از هرگونه سرکوب قیمت و یا قیمت‌گذاری دستوری، ارتقای پایداری زنجیره تامین، نظارت بر شبکه‌های عرضه کالا و مدیریت نظام توزیع، اصلاح نظام بانکی، توسعه خصوصی‌سازی و محدود کردن بخش نامولد پیشنهاد شده است.

Executive Summary

The emergence of instability in commodity, service, and asset markets across various sectors is currently one of the main concerns for people and economic actors. Inflation is one of the factors impacting the unequal distribution of income and wealth, exerting economic pressure on the lower deciles of society, causing economic uncertainty, reducing investment horizons, and consequently decreasing economic growth. Moreover, high inflation reduces the effectiveness of government policies in various cases and, in some cases, even neutralizes them. Over the past few decades, high and persistent inflation has been a major problem in Iran's economy, with the average inflation rate over the past four decades being 20%. High and unstable inflation, in addition to its destructive effects, has led to public distrust in the policies of macroeconomic policymakers, especially the government and the central bank, and its continued trend can result in political and economic instability in the country. Therefore, understanding the factors contributing to price instability and ways to combat it not only leads to the establishment of social justice but also is an effective step toward economic stability.

In this regard, the present report first addresses the question of what causes price instability. In response, exchange rate fluctuations and the growth of money supply and liquidity, along with some structural weaknesses, have been identified as the main engines of inflation. In explaining the growth of the money supply, it should be noted that in recent years, the share of quasi-money in liquidity has decreased while the share of money has increased. The expansion of money and the fluidity of liquidity increase the potential for inflation and can be a threatening factor for market equilibrium. Regarding the exchange rate, since 2018, the exchange rate has faced extensive fluctuations and undergone many changes, and currently, the market is experiencing more turmoil compared to the previous years. Increase in the exchange rate and, in parallel, the increase in inflationary expectations have led to the spillover of liquidity towards the asset market, causing disruptions in these markets.

Among the negative consequences of price instability in the economy are uncertainty, government budget deficits, income distribution in favor of higher classes, weakening of the national currency, increasing investment costs, and decreasing investment. Therefore, actions in managing the foreign exchange market (minimizing exchange rate fluctuations and preventing exchange shocks), controlling liquidity, controlling inflationary expectations of producers and consumers, avoiding any price suppression or price-setting, enhancing the sustainability of the supply chain, monitoring the supply network of goods and managing the distribution system, reforming the banking system, promoting privatization, and limiting the non-productive sector have been suggested.

مقدمه

مطابق با نتایج طرح پایش فضای کسب و کار در بازه زمانی ۴ ساله از بهار ۱۳۹۹ لغایت زمستان ۱۴۰۲، "غیرقابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات" بلا استثنا در تمامی فصول مورد بررسی، بعنوان اولویت اول چالش کسب و کارها مطرح شده است.

بی‌ثباتی قیمت مواد اولیه و در مجموع بی‌ثباتی قیمت‌ها، بعنوان زیرمجموعه کوچکی از بی‌ثباتی اقتصاد کلان، از طریق برهم زدن توانایی برنامه‌ریزی کسب و کارها، تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان را با مشکلات عدیده‌ای مواجه نموده است. از آنجایی که ثبات قیمت‌ها می‌تواند به ثبات اقتصادی کشور و توسعه فعالیت‌های اقتصادی کمک کند؛ زمانی که قیمت کالاها در اقتصاد یک کشور دچار نوسان می‌شود تمام بخش‌ها از آثار زیان بار آن متضرر می‌شوند و تنها گروه خاصی از جمله واسطه‌گران از نوسانات ناشی از آن منتفع شده و موجب شکل‌گیری فعالیت‌های واسطه‌گری و به حاشیه رانده شدن فعالیت‌های رسمی اقتصاد و رشد و رونق اقتصادی خواهد شد.

نوسان قیمت‌ها و تورم بالای ایجاد شده در کشور ضمن کاهش قدرت خرید و کاهش رفاه جامعه با افزایش نااطمینانی در اقتصاد یکی از مهم‌ترین موانع جهش تولید به حساب می‌آید. در نتیجه لازم است چرایی وقوع این نوسان‌ها در ابتدا مشخص شده و سپس در راستای جلوگیری از تداوم نوسان قیمت‌ها و تشدید تورم، اندیشیده و راهکارهایی ارائه شود. از این‌رو در این گزارش در گام اول به تبیین علل اصلی تشدید بی‌ثباتی قیمت‌ها و در گام بعدی با ارائه شواهدی به تبعات منفی تورم اشاره شده است. در نهایت برای مهار و جلوگیری از تشدید بی‌ثباتی قیمت‌ها، پیشنهادهایی ارائه شده است.



در وهله اول باید به این موضوع پرداخته شود که بی‌ثباتی قیمت‌ها چیست و چگونه بوجود می‌آید. بی‌ثباتی قیمت‌ها یکی از عوامل ایجاد بی‌ثباتی در اقتصاد ایران بوده و ضمن ایجاد نارضایتی در بین آحاد مردم باعث می‌شود که تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان هم دچار مشکل شده و نتوانند برنامه‌ریزی درستی برای فعالیتهای خود داشته باشند. تمام گروه‌های جامعه با ثبات قیمت‌ها موافق هستند چرا که این امر می‌تواند به ثبات اقتصادی کشور و توسعه فعالیتهای اقتصادی کمک کند؛ زمانی که قیمت کالاها در اقتصاد یک کشور دچار نوسان می‌شود تمام بخش‌ها متضرر می‌شوند و تنها گروهی خاص که دلالتان هستند نفع می‌برند. بر اساس دیدگاه‌های اقتصادی عوامل بسیاری در شکل‌گیری نوسانات قیمت‌ها تاثیر دارد که در ادامه به بررسی مختصر آنها می‌پردازیم.

۱. تورم حاصل از فشار تقاضا

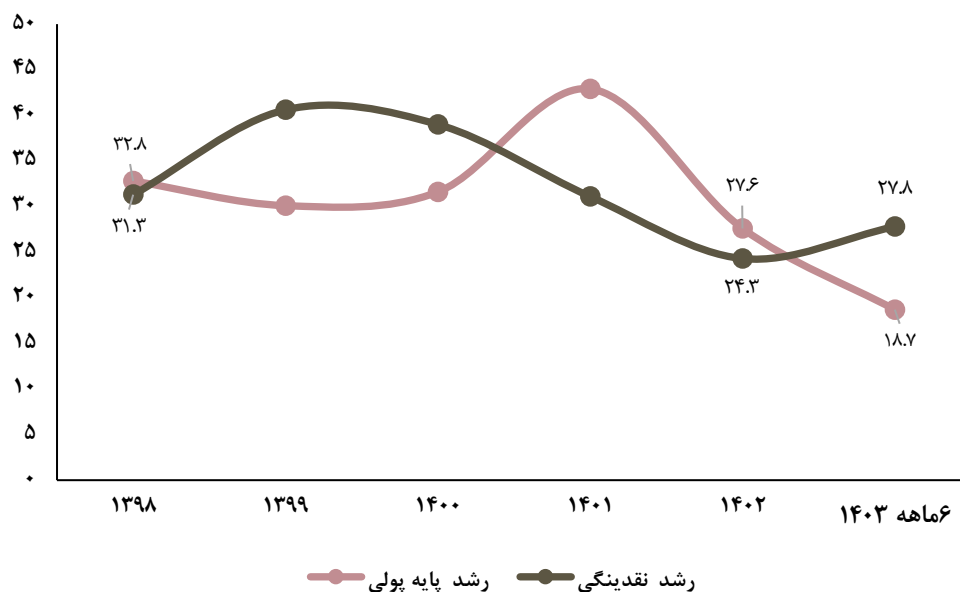
تئوری تورم ناشی از فشار تقاضا هر عاملی که تابع تقاضای کل را به سمت بالا هدایت کند، علت افزایش قیمت‌ها می‌داند. با توجه به اینکه طرف تقاضای اقتصاد از دو مولفه بازار پول و کالا تشکیل شده است، کلاسیک‌ها تنها بازار پول را از طریق تغییر حجم پول منشا تغییر تقاضای کل معرفی می‌کنند، اما کینز تحولات هر دو بازار پول و کالا را دلیل تقاضای کل معرفی می‌کند.

بین پایه پولی، عرضه پول و تورم رابطه معناداری وجود دارد. تورم بلندمدت یک پدیده پولی است در واقع به واسطه سیاست‌های پولی تعیین می‌شود. به‌طور مشخص اجزای پایه پولی شامل خالص دارایی‌های بانک مرکزی، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی و خالص سایر دارایی‌ها است که هر یک از آنها می‌توانند تورم را تحت تاثیر قرار دهند. درک چگونگی ارتباط این مولفه‌ها با یکدیگر و با تورم در توسعه اقدامات پولی موثر، حفظ ثبات قیمت‌ها و تقویت رشد اقتصادی پایدار بسیار مهم است. در خصوص چگونگی اثرگذاری باید توجه داشت بر اساس نظریه مقداری پول که معادله آن به شرح زیر است:

$$MV=PY$$

اگر M را، حجم پول، V سرعت گردش پول، P سطح عمومی قیمت‌ها و Y تولید در نظر بگیریم، با فرض ثبات V و Y افزایش M موجب افزایش P خواهد شد. در این صورت سطح عمومی قیمت‌ها یک عملکرد فزاینده از عرضه پول است؛ با توجه به اینکه مهم‌ترین دلیل افزایش حجم پول رشد پایه پولی است، در نتیجه با رشد پایه پولی، تورم نیز افزایش می‌یابد. در نمودار، روند رشد پایه پولی و نقدینگی نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان داده شده است. وفق این نمودار روند رشد پایه پولی در سال ۱۴۰۱ صعودی‌تر از سال‌های گذشته بوده و رشد نقدینگی نیز در سال ۱۳۹۹ به‌طرز معناداری نسبت به سال‌های دیگر بیشتر بوده است. علاوه بر این در شهریور ۱۴۰۳ نیز شاهد رشد نقدینگی به میزان ۲۷.۸ درصد و رشد پایه پولی به میزان ۱۸.۷ درصدی هستیم. در شرایط تحریمی و کاهش درآمدهای نفتی کشور چنانچه دولت و بانک مرکزی قصد کنترل پایه پولی را داشته

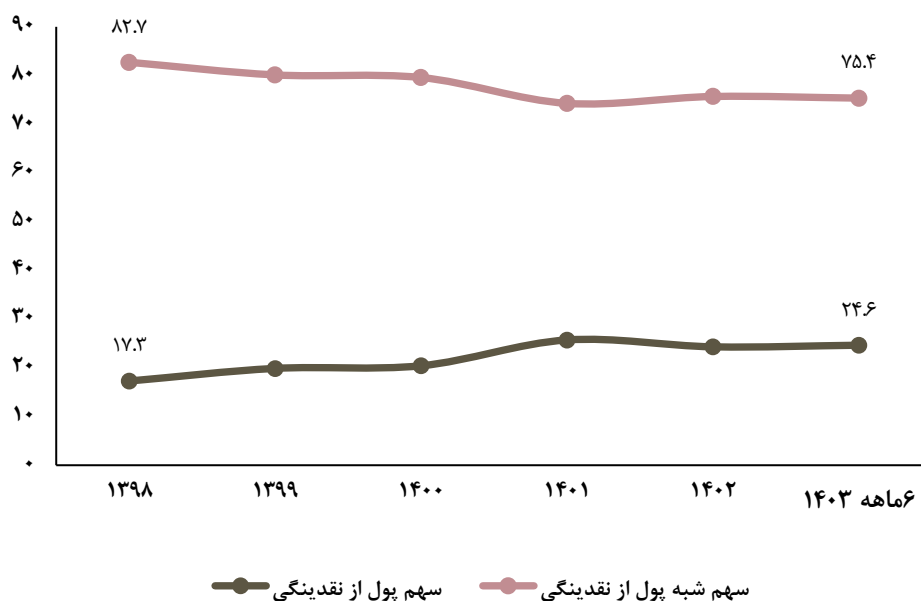
باشند، می‌بایست خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی و مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها سخت کنترل شده، تعدیل مناسب نرخ سود بین بانکی مدنظر باشد و نرخ رشد پایه پولی هدف‌گذاری شود تا بتوانند از بروز بی‌ثباتی در نرخ تورم جلوگیری کنند.



نمودار ۱. روند رشد پایه پولی و نقدینگی طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۶ ماهه ۱۴۰۳

منبع: گزیده آمارهای اقتصادی بانک مرکزی

علاوه بر مطالب بیان شده، ترکیب نقدینگی نیز طی سال‌های اخیر تغییر کرده است. نقدینگی از دو بخش پول و شبه پول تشکیل شده است. بر اساس نمودار ۲، در بازه زمانی مورد بررسی از سهم شبه پول (سپرده‌های غیردیداری) در نقدینگی کاسته شده و بر سهم پول (سپرده‌های دیداری و اسکناس) افزوده شده است که می‌تواند به معنای افزایش سیالیت نقدینگی و تمایل افراد برای در اختیار داشتن منابع آزاد پولی با هدف به کارگیری وجه نقد در سایر بازارها باشد. انبساط پول و سیال شدن نقدینگی امکان ایجاد تورم را افزایش داده و می‌تواند عامل تهدیدکننده در تعادل بازارها باشد. به عبارت دیگر نقدشوندگی بالاتر حساب‌های جاری، سرعت تبدیل پول به سایر دارایی‌ها از جمله ارز و طلا را بالا برده و در نهایت می‌تواند افزایش قیمت در این بازارها را به دنبال داشته باشد.



نمودار ۲. ترکیب نقدینگی (سهام پول و شبه پول از نقدینگی) طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۶ ماهه ۱۴۰۳
منبع: گزیده آمارهای اقتصادی بانک مرکزی

باید توجه نمود که رشد نقدینگی تنها عامل اثرگذار بر تورم و بی‌ثباتی قیمت‌ها در ایران نیست اما بخشی از تورم پایدار کشور مربوط به رشد نقدینگی است که طبق بررسی‌های کارشناسی عمده دلایل زیر برای این رشد مطرح است:

۱. بزرگ بودن بدنه دولت و تحمیل هزینه‌های زیاد بر بودجه دولت؛ در ایران اغلب امور، دولت‌محور است. وجود نهادهای موازی و غیرضروری موجب تحمیل هزینه‌های زیاد بر بودجه دولت می‌شود. دولت ایران در سال‌های اخیر برای جبران بخشی از کسری بودجه خود اقدام به تبدیل درآمدهای دلاری نفت به ریال، تغییر نرخ تسعیر ارز برای تبدیل این درآمدها، استقراض از سیستم بانکی (مانند الزام بانک‌ها برای خرید اوراق دولتی) و خلق پول کرده که در نهایت منجر به افزایش پایه پولی و در پی آن نقدینگی و تورم شده است. لذا به‌منظور مدیریت بهینه منابع دولت پیشنهاد بر این است در ساختارهای نهادی دولت تجدیدنظر کرده و نهادهای موازی و غیرضروری که دولت آن‌ها را تامین مالی می‌کند، منحل یا ادغام شود. همچنین تقویت بخش خصوصی و واگذاری برخی از وظایف دولت به این بخش می‌تواند تاثیر چشم‌گیری در کاهش هزینه‌ها داشته باشد.

۲. نبود یک نظام بودجه‌ریزی کارا؛ بررسی روند بودجه‌ریزی کشور حاکی از آن است که بودجه دولت نه تنها تثبیتی در اقتصاد حاصل نکرده است، بلکه تورم‌های بسیار شدیدی نیز به همراه داشته است. باید توجه نمود

ادامه چنین روندی پیامدهای مزمینی مانند رکود تورمی، کاهش قدرت خرید، کاهش رفاه عمومی و ناتوانی دولت در ارائه کمک‌های حمایتی، نااطمینانی و بی‌ثباتی در فضای کلان اقتصاد و ... را در پی دارد.

۳. سلطه مالی و عدم استقلال بانک مرکزی؛ استقلال بانک مرکزی بر متغیرهای اصلی اقتصاد کلان از قبیل تورم، رشد اقتصادی، کسری بودجه دولت و ... تاثیرگذار است. هدف از استقلال بانک مرکزی این است که تحت تاثیر سیاست‌های کوتاه‌مدت نباشد و بتواند آزادانه به دنبال کنترل تورم و ثبات سطح قیمت‌ها باشد (مایزل و بارون^۱، ۲۰۱۰). لزوم استقلال بانک مرکزی از این دیدگاه نشأت می‌گیرد که اگر بانک مرکزی مستقل باشد دولت برای تامین کسری بودجه مدام از بانک مرکزی قرض نمی‌گیرد و در نتیجه نقدینگی و تورم کنترل می‌شود. در ایران شاید بانک مرکزی از نظر سازمانی مستقل است ولی از نظر اجرایی امکان اجرای سیاست‌های پولی را به میزان لازم ندارد.

۴. همسویی بانک‌ها با بخش‌های نامولد اقتصاد؛ طی سال‌های اخیر نظام بانکی کشور با مجموعه‌ای از مشکلات مواجه بوده و فعالیت بانک‌ها از حلت عادی و تعریف شده ابتدایی خارج شده و عملکرد آن گاهی به ضد فعالیت‌های تولیدی تبدیل شده است. موسساتی که قرار بوده با ارائه خدمات مالی، تامین و تسهیل‌کننده فعالیت‌های تولیدی و خدماتی باشند، امروزه با اعطای سودهای بالا، خود به رقیبی جدی برای هدایت سرمایه‌ها به سوی تولید تبدیل شده‌اند. سرمایه‌هایی که می‌توانستند به‌عنوان آورده‌های نقدی مردم، در بخش‌های تولیدی به کار گرفته شوند، در قالب سپرده‌های بلندمدت در حساب‌های بانکی محبوس شده است. بخش نامولد اقتصاد به دلیل حاشیه سود بالا، حجم قابل توجهی از سپرده‌های بانکی را به خود اختصاص داده است و توسعه بخش نامولد اقتصاد موجب تشدید تورم می‌شود. از این‌رو سیاست درست و کارآمد در اقتصاد مستلزم کنترل عوامل موثر بر سفته‌بازی است.

۵. فقدان الگوی نظارتی کارا؛ بانک‌ها در ایران به‌طور ذاتی خلق پول می‌کنند (با ضریب معکوس نرخ ذخیره قانونی)، موسسات مالی و اعتباری و ابزارهایی چون تنزیل دین، به دلیل فقدان نظارت بانک مرکزی و تعیین نشدن سقف برای آن، آشفستگی و اغتشاش پولی عجیب و خطرناکی در کشور ایجاد کرده‌اند. بانک مرکزی می‌بایست با نظارت و ارزیابی فعالیت بانک‌های خصوصی مانع از تحرک نقدینگی به سمت فعالیت‌های نامولد گردیده و با استرداد منابع جذب شده در بخش‌های نامولد بر جذب منابع بانکی به سمت فعالیت‌های مولد تاکید نماید.

۶. ضابطه‌مند نبودن استفاده از ذخایر بانک مرکزی توسط بانک‌ها و رفع ناترازی با تکیه بر منابع بانک مرکزی؛ بر اساس نظر متخصصان حوزه پولی و بانکی، آنچه مسئله ناترازی بانکی در کشور را به یک معضل تبدیل کرده

¹ Meisel And Barón

است، ضابطه‌مند نبودن استفاده از ذخایر بانک مرکزی توسط بانک‌ها است. عدم درمان ناترازی شبکه بانکی، اقتصاد کشور را با چالش‌های اساسی تشدید رکود، بیکاری، توزیع نابرابر درآمد و پتانسیل جهش تورمی روبه‌رو ساخته است. در نتیجه ارزیابی کیفیت دارایی‌های بانک‌ها؛ ایفای نقش فعال سیاست‌گذار پولی و نظارت بر کیفیت خلق پول، به‌عنوان ضرورت‌های حل مسئله ناترازی در شبکه بانکی کشور ضرورت دارد.

۲. تورم حاصل از فشار عرضه

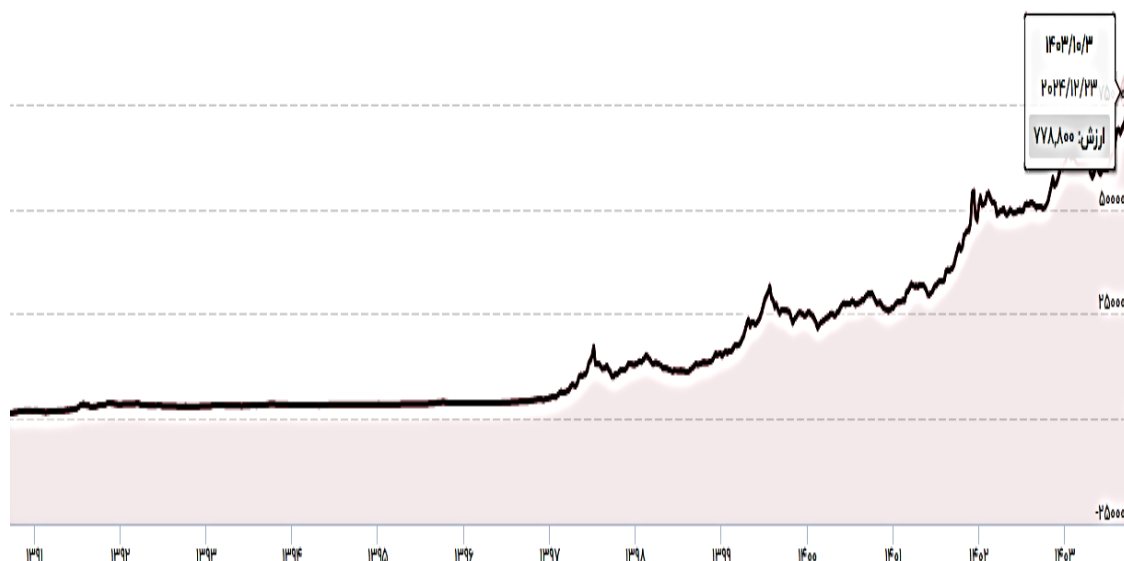
در دیدگاه‌های اقتصادی تورم طرف عرضه که تورم فشار هزینه^۳ نیز به آن اطلاق می‌شود، شرایطی را توضیح می‌دهد که قیمت‌ها در شرایطی که عوامل تولید هزینه‌ی هر واحد تولید را بالا می‌برند افزایش می‌یابد (مک کانل و دیگران^۴، ۱۹۹۶). عوامل موثر بر سمت عرضه شامل مواردی مانند شوک ارزی، افزایش نرخ بهره و دیگر شوک‌های قیمتی است. شوک‌های طرف عرضه از جمله شوک نرخ ارز علی‌رغم آنکه امکان اثرگذاری بر سطح شاخص قیمت مصرف‌کننده در کوتاه مدت را دارند، میزان و مانایی تاثیر این شوک‌ها بر تورم بستگی به واکنش سیاست‌گذار پولی دارد. به بیان دیگر شوک نرخ ارز منجر به افزایش نیاز بنگاه به سرمایه در گردش و انتظارات تورمی خواهد شد که هر دو عامل منجر به افزایش تقاضای تسهیلات و نقدینگی می‌شود و بدون واکنش متناسب مقام پولی می‌تواند منجر به افزایش رشد نقدینگی شده و عامل تورم بلندمدت شود.

نرخ ارز

نرخ ارز به‌عنوان یکی از متغیرهای کلیدی اقتصاد نقش پررنگی در تعیین قیمت‌های داخلی دارد. از این‌رو آگاهی از چگونگی روابط تجربی بین نرخ ارز و قیمت‌های داخلی حائز اهمیت است. نوسانات نرخ ارز در عملکرد اقتصادی کشور نقش اساسی دارد به‌طوری‌که با تنزل ارزش پول داخلی، قیمت کالاهای خارجی نسبت به کالاهای داخلی افزایش می‌یابد. در نمودار ۳، روند نوسانات نرخ دلار طی بازه زمانی ۱۳۹۱ تا اوایل دی‌ماه ۱۴۰۳ ارائه شده که بیانگر سیر صعودی قیمت دلار است. همانطور که مشخص است طی سال‌های ۱۳۹۱ تا اواخر ۱۳۹۶ روند نوسانات دلار تقریباً یکنواخت بوده و با جهت‌گیری‌های جدید سیاسی و اقتصادی، شاهد روند ملایم افزایش دلار تا سال ۱۳۹۶ بودیم. اما از سال ۱۳۹۷ تا کنون نرخ ارز با نوسانات گسترده مواجه شده و تغییرات بسیاری را تجربه کرده است و در حال حاضر بازار دچار التهاب بیشتری نسبت به سال‌های قبل از آن شده است.

³ Cost Push Inflation

⁴ Mc Connell and et al



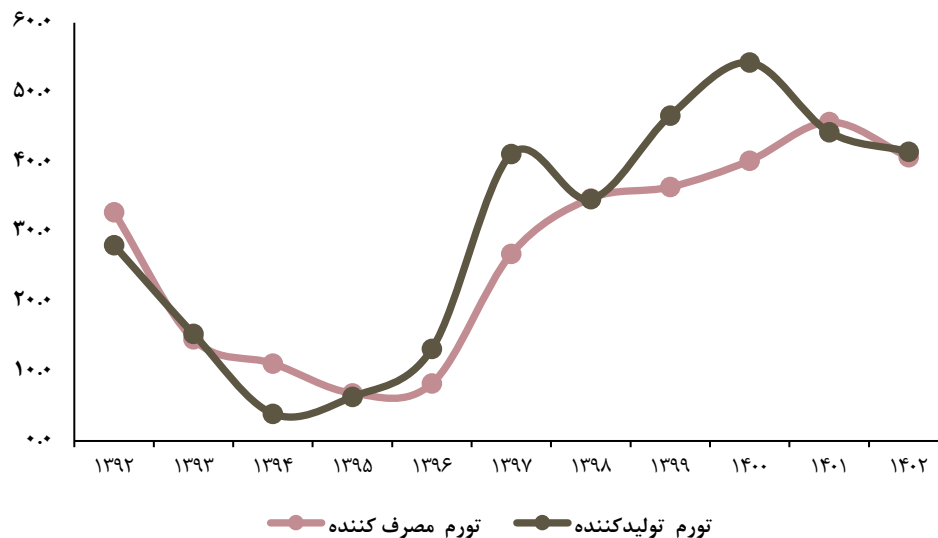
نمودار ۳. روند نوسانات قیمت دلار طی سال‌های ۱۳۹۱ تا اوایل دی ۱۴۰۳

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی طلا، سکه و ارز (tgju)

سوال مهم این است که این نوسانات چه تاثیر و تبعاتی را بر اقتصاد ایران خواهد داشت؟ نوسان نرخ ارز به‌طور عمده به دلیل شرایط نابه‌سامان اقتصادی، تحریم و ... ایجاد می‌شود و به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بر یک صنعت اثرگذار است. تاثیر مستقیم این نوسان بر روی بخش تولید به این صورت است که معمولا بخشی از مواد اولیه که توسط زنجیره تامین صنعتی از منابع داخلی خریداری می‌شوند با توجه به نرخ‌های جهانی که متاثر از نرخ ارز هستند و بر این اساس قیمت آن‌ها محاسبه می‌گردد، در اختیار صنعت مربوطه قرار می‌گیرد. این شرایط در خصوص مواد اولیه و نیمه‌ساخته که از مسیر واردات تامین می‌شوند نیز صادق است. به‌عنوان مثال اگر E نرخ ارز و P^* قیمت کالای وارداتی بر حسب واحد پول خارجی باشد، بنابراین $E \cdot P^*$ نشان‌دهنده ارزش کالای وارداتی بر حسب پول خارجی است. اگر قیمت کالای وارداتی بر حسب واحد پول خارجی (P^*) ثابت بماند و پول داخلی تضعیف شود (E افزایش یابد) قیمت کالای وارداتی بر حسب پول داخلی افزایش می‌یابد. اثرگذاری غیر مستقیم نیز بدین صورت است که در شرایط تکانه‌های شدید اقتصادی و نوسانات شدید نرخ ارز، فعالان بازار به‌منظور اینکه ارزش دارایی خود را حفظ کنند همواره نوسانات نرخ ارز را در نظر می‌گیرند و می‌توان گفت نرخ قیمت در یک صنعت به‌صورت غیرمستقیم نیز از نوسانات نرخ ارز تاثیر پذیرفته است. از طرفی در اقتصاد ایران نرخ ارز به‌عنوان مولفه‌ای برای شکل‌دهی انتظارات تورمی مطرح است. نوسانات نرخ ارز بیش از هر متغیر دیگری مورد توجه عموم مردم قرار می‌گیرد. افزایش نرخ ارز و به موازات آن افزایش انتظارات تورمی موجب سرریز نقدینگی به سوی بازار دارایی‌ها شده و موجب اختلال در این بازارها می‌شود.

در نمودار ۴ تورم سالانه تولیدکننده و مصرف‌کننده به تصویر کشیده شده است، همانطور که از نمودار ملاحظه می‌شود در بسیاری از سال‌ها تورم تولیدکننده از تورم مصرف‌کننده پیشی گرفته که عمدتا به دلیل جهش‌های

ارزی، هزینه‌های تولید افزایش یافته و صنایع اولیه داخلی به تبعیت از بالا رفتن قیمت صادراتی، قیمت‌ها را بیش از حد تناسب نرخ ارز افزایش داده و تورم در این بخش شدت گرفته است.



نمودار ۴. روند تورم تولیدکننده و مصرف کننده طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲

منبع: مرکز آمار

در میان کالاهایی که از نوسانات نرخ ارز تاثیر می‌پذیرند، خودرو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و زنجیره تولید آن ارتباط زیادی با نوسانات نرخ ارز دارد. افزایش تدریجی نرخ ارز و سقوط ارزش پول ملی به‌طور طبیعی باعث رشد قیمت مواد اولیه تولید خودرو مانند فلزات و محصولات پتروشیمی می‌شود. طی سال‌های اخیر خودرو به کالای سرمایه‌ای تبدیل شده و هرگونه نوسان در نرخ ارز، باعث تشدید تقاضا در بازار خودرو شده است. البته باید یادآور بود که این رشد تقاضا، تقاضای مصرفی نبوده و جنبه سوداگری دارد که منجر به ایجاد اختلال در بازار خودرو می‌شود. در دوران ثبات اقتصادی، قیمت خودرو بیش از هرچیزی تحت تاثیر میزان عرضه بوده و فعالان بازار، قیمت‌های خود را بر اساس وضعیت عرضه تنظیم می‌کنند اما در شرایطی مانند ایران که دچار نوسانات شدید اقتصادی است، نرخ ارز بر قیمت‌گذاری بازار تاثیر چشم‌گیری دارد. به‌طوری که فعالان بازار پیش از اعلام قیمت‌ها همواره نوسانات نرخ ارز را مورد توجه قرار داده و بر اساس آن قیمت خودرو را تعیین می‌کنند. به‌واسطه قیمت‌گذاری دستوری توأم با گسترش دلالی، بازار خودرو ایران حول نرخ ارز می‌چرخد. درواقع شدت اثرگذاری به حدی است که با افزایش نرخ ارز، حباب بازار خودرو بزرگتر می‌شود.

در فضای کسب‌وکار بدون شک عدم اطمینان از میزان نوسانات ارز به‌منزله نوعی ریسک و نااطمینانی از حیث تغییر شرایط حساب‌های مالی یا میزان دریاقتی و پرداختی‌های آینده برای

بنگاه‌های اقتصادی تلقی می‌شود که می‌تواند چارچوب فعالیت بنگاه را تحت تاثیر قرار دهد. در نتیجه مدیریت این ریسک مهم‌ترین وظیفه مدیران مالی بنگاه‌ها به‌شمار می‌رود. بررسی عمیق‌تر دلایل نوسانات نرخ ارز نشان می‌دهد در دو دهه اخیر فضای سیاسی کشور آکنده از نااطمینانی‌ها بوده و ریسک سیاسی اثر افزایشی و قوی بر نوسانات نرخ ارز در ایران داشته است. لذا توصیه جدی به سیاست‌گذاران در این زمینه توجه به ثبات و امنیت سیاسی و اقتصادی کشور و کاهش تحریم‌ها و تنش‌های سیاسی با جهان است که می‌تواند دامنه نوسانات نرخ ارز را کاهش داده و کمک شایان توجهی در مدیریت ریسک نوسانات نرخ ارز شرکت‌های داخلی خواهد کرد.

در اقتصاد ایران علاوه بر نوسانات نرخ ارز و رشد پایه پولی و نقدینگی، عوامل دیگری مانند ضعف در ساختار تولید، قیمت‌گذاری دستوری ناصحیح و غیربهبینه کالاهای نهایی، عدم کنترل قیمت نهاده‌های تولیدی و وجود تنگناهای ساختاری تولید از جمله دیگر دلایل رشد سطح عمومی قیمت‌ها است. در ایران قیمت‌ها با سازوکار رقابت بازاری تعیین نمی‌شوند و قدرت قیمت‌گذاری دلخواه بالا است. صاحبان قدرت با بالا بردن قیمت‌ها در فضای جدید یا سرکوب برخی از محصولات دیگر، منجر به تشدید بی‌ثباتی، خنثی شدن اقدامات اصلاحی و حتی بدتر شدن قیمت‌های نسبی می‌شوند. قیمت‌گذاری دستوری می‌تواند هدف سیاست‌گذار را در کاهش تورم معکوس کرده و منجر به ایجاد تورم شود. در توضیح چگونگی این عمل می‌توان بیان نمود زمانی که قیمت‌ها به‌صورت غیربهبینه تعیین شوند، سرمایه در گردش بنگاه‌ها با مشکل مواجه شده و نیاز بنگاه‌ها به منابع بانکی افزایش یافته و این موضوع از طریق ایجاد ناترازی در بانک‌ها در نهایت به رشد نقدینگی دامن می‌زند که خود موتور رشد تورم تلقی می‌شود. در نتیجه باید توجه کرد قیمت‌گذاری دولتی حتی اگر در کوتاه‌مدت بتواند قیمت‌ها را کاهش دهد، در بلندمدت آثار عکس بر مهار تورم خواهد گذاشت.

۲. نمایی از بی‌ثباتی قیمت‌ها در بخش‌های مختلف

۱-۳. اثر دومینو وار بی‌ثباتی قیمت نهاده‌ها در زنجیره ارزش کشاورزی

کشورهای توسعه‌نیافته به دلیل وابستگی بالا به سایر کشورها در اغلب بخش‌های اقتصادی، به ارز بیشتری برای واردات نیازمندند، در این بین افزایش نرخ ارز از یک سو باعث افزایش میزان بدهی و از سوی دیگر باعث افزایش بهای تمام شده تولیدات و خدمات ارائه شده توسط این شرکت‌ها می‌شود. نوسان نرخ ارز که پیشتر نیز به آن اشاره کردیم باعث افزایش قیمت اقلام مواد غذایی وارداتی شده و به دنبال خود تورم ایجاد می‌کند از سوی دیگر

صادرکننده با توجه به میزان ریسک‌پذیری یا از فعالیت منصرف شده و یا اینکه در ازای ریسک بیشتر طلب سود بیشتر می‌کند. در حوزه کشاورزی به دلیل زمانبر بودن فرآیند تولید محصولات کشاورزی، در دوره‌های کوتاه‌مدت انعطاف‌پذیری کافی برای پاسخگویی به نوسانات تقاضا وجود ندارد. لذا این نوسانات، برنامه‌ریزی تولید، بازار و همچنین رفاه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. به‌طور مثال بازار گوشت مرغ تحت تاثیر مداخله‌های دولت به‌ویژه در بازار نهاده‌ها قرار دارد به نحوی که طبق بیان یک کارشناس این حوزه یک درصد افزایش قیمت جوجه یک‌روزه، ذرت و کنجاله سویا، قیمت گوشت مرغ را به ترتیب به میزان ۰.۸۶، ۰.۵۶ و ۰.۵۶ درصد افزایش می‌دهد. از این‌رو، جلوگیری از نوسانات این نهاده‌ها می‌تواند تاثیر مهمی بر جلوگیری از نوسانات قیمت گوشت مرغ در بازار داشته باشد. باید یادآور بود که نوسان قیمت محصولات کشاورزی می‌تواند تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را از پیش‌بینی دقیق و صحیح بازار باز دارد. بنابراین تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در چنین شرایطی برای آینده چندان سودمند واقع نمی‌شود. از آنجا که تولید گوشت مرغ دارای زنجیره‌ای از عوامل تولید است، در صورتی که هر کدام از عوامل این زنجیره دچار تغییر شود، کل نظام دگرگون می‌شود. در این بین، نوسانات قیمت نهاده جوجه یک‌روزه، بازار گوشت مرغ را به شدت دچار بی‌نظمی خواهد کرد. این نهاده از دو طریق بر قیمت گوشت مرغ تاثیر می‌گذارد. از یک طرف با کاهش این نهاده، مقدار عرضه گوشت مرغ کاهش یافته و در نتیجه قیمت افزایش می‌یابد و از طرف دیگر، با کاهش این نهاده و افزایش قیمت آن، قیمت گوشت مرغ مستقیماً افزایش پیدا می‌کند. بنابراین، با توجه به نیازهای فصلی، برنامه‌ریزی برای جوجه‌ریزی اهمیت بسیاری در حذف این نوسانات دارد. همچنین، وجود بانک اطلاعاتی برای جوجه یک‌روزه در سراسر کشور ضرورت دارد. علاوه بر این، از آنجا که تولید جوجه یک‌روزه از طریق مرغ مادر گوشتی، مرغ اجداد و مرغ لاین به‌دست می‌آید، برنامه‌ریزی در تولید انواع مرغ‌ها جهت تولید جوجه یک‌روزه سالم، به میزان کافی حائز اهمیت است. بنابراین تثبیت قیمت جوجه یک‌روزه از طریق کنترل جوجه‌ریزی گله‌های مادر و همچنین نظارت دقیق بر واحدهای جوجه‌کشی امکان‌پذیر است.

از دیگر دلایل نوسان گوشت مرغ، نوسان در نرخ خوراک (ذرت و کنجاله سویا) است. با توجه به اینکه بخش اعظمی از خوراک مرغ از طریق واردات تامین می‌شود هرگونه اختلال در واردات، اثر قابل‌توجهی بر قیمت گوشت مرغ دارد لذا پیش‌بینی دقیق از قیمت و تامین به میزان کافی این نهاده‌ها برای جلوگیری از انتشار نوسان به بازار محصول ضروری است. نرخ تعرفه یکی از عوامل موثر در قیمت است که تغییرات آن موجب ایجاد اثرات نوسانی بالایی بر قیمت نهاده و به تبع آن محصول می‌شود، تغییرات مداوم نرخ تعرفه سویا، به نابسامانی بیشتر در امر تولید می‌انجامد. از سوی دیگر، با توجه به وابستگی شدید تولید گوشت مرغ به واردات ذرت، سویا و پودرماهی، لازم است دولت با استفاده از سیاست‌های حمایتی، به سوی کاهش وابستگی به واردات این نهاده‌ها و

تولید آنها در داخل حرکت کند. اما با توجه به محدودیت منابع کشاورزی، لازم است قبل از پرداختن به این مقوله، استراتژی کلان کشور در زمینه غذا مشخص شود.

از آنجا که انتقال قیمت نهاده‌ها و محصول در زنجیره تولید بسیار مهم است، تهیه و اجرای برنامه‌هایی که بتواند منافع تولیدکنندگان نهاده‌ها و محصول نهایی را در یک راستا قرار دهد، بسیار حائز اهمیت است. تولید گوشت مرغ، زنجیره‌های مختلفی دارد که در این صنعت پیوستگی خاصی ایجاد کرده‌اند. با تعامل میان این زنجیره، می‌توان شاهد کاهش هزینه‌ها و در نتیجه قیمت تمام شده بود. مشکل بازار ایران، عدم ارتباط و تعامل بین حلقه‌های این زنجیره است. بنابراین، هر یک از حلقه‌های تولید به دنبال افزایش سود خود هستند و این امر مشکلات زیادی برای صنعت طیور کشور ایجاد کرده است.

۲-۳. اثر دومینو وار بی ثباتی قیمت نهاده‌ها در زنجیره شیمیایی و پلاستیک

قیمت مواد اولیه شیمیایی، مانند نخستین مهره در زنجیره تولید، نقشی اساسی در تعیین سرنوشت صنایع مختلف ایفا می‌کند. نوسانات قیمتی این مواد پیامدهای متعددی برای بازیگران مختلف این زنجیره به دنبال دارد. از جمله عوامل موثر بر افزایش قیمت مواد اولیه در این صنعت شامل عوامل جهانی، داخلی و افزایش قیمت مواد اولیه است:

❖ عوامل جهانی

- **افزایش تقاضا:** به دلیل رشد اقتصادی، تقاضای جهانی برای مواد اولیه در اغلب کشورها افزایش یافته است.
- **کمبود عرضه:** اختلالات زنجیره تامین ناشی از بیماری COVID-19، جنگ اوکراین و بلایای طبیعی، عرضه مواد اولیه را در سطح جهان محدود کرده است.
- **افزایش قیمت انرژی:** افزایش قیمت نفت و گاز، هزینه تولید و حمل و نقل مواد اولیه را افزایش داده است.
- **نوسانات نرخ ارز:** نوسانات نرخ ارز، قیمت مواد اولیه را برای کشورهای متکی هستند، افزایش داده است.

❖ عوامل داخلی

- **افزایش نرخ تورم:** تورم بالا در ایران، قدرت خرید پول ملی را کاهش داده و به نوبه خود، قیمت مواد اولیه را افزایش داده است.
- **سیاست‌های دولتی:** برخی از سیاست‌های دولتی، مانند یارانه‌ها و مقررات صادراتی، می‌توانند بر قیمت مواد اولیه در داخل کشور تاثیر بگذارند.

❖ اثرات افزایش قیمت مواد اولیه

- **افزایش هزینه‌های تولید:** اولین و بارزترین اثر افزایش قیمت مواد اولیه، رشد هزینه‌های تولید در صنایع مختلف است. این امر می‌تواند سودآوری فعالان این حوزه را به طور قابل توجهی تحت تاثیر قرار دهد.
- **کاهش حاشیه سود:** با افزایش هزینه‌ها، سهم سود بنگاه‌های اقتصادی از هر واحد محصول تولیدی کاهش می‌یابد. این موضوع می‌تواند به خصوص برای واحدهای کوچک و متوسط که از حاشیه سود پایین تری برخوردارند، چالش برانگیز باشد.
- **افزایش قیمت تمام شده محصولات:** در نهایت، ممکن است شاهد افزایش قیمت تمام شده محصولات برای مصرف‌کنندگان نهایی باشیم.
- **کاهش تقاضا:** در برخی موارد، افزایش قیمت مواد اولیه می‌تولند منجر به کاهش تقاضا برای محصولات نهایی شود.
- **رکود در برخی از صنایع:** در موارد شدید، افزایش قیمت مواد اولیه می‌تولند به رکود در برخی از صنایع منجر شود.

در این مسیر می‌توان راه حل‌های زیر را برای مقابله با اثرات افزایش قیمت مواد اولیه در این زنجیره مطرح نمود:

- **تقویت توان تولید داخلی مواد اولیه:** با تقویت تولید داخلی مواد اولیه، می‌توان وابستگی به واردات و نوسانات قیمت جهانی را کاهش داد.
- **ایجاد تنوع در منابع تامین:** اتکا به منابع مختلف برای تامین مواد اولیه، می‌تولند ریسک کمبود و نوسانات قیمت را به حداقل برساند.
- **بهینه‌سازی مصرف مواد اولیه:** با استفاده از روش‌های نوین و بهینه‌سازی فرآیندهای تولید، می‌توان مصرف مواد اولیه را به طور قابل توجهی کاهش داد.
- **حمایت از صنایع در برابر نوسانات قیمتی:** دولت‌ها می‌توانند با ارائه بسته‌های حمایتی و یارانه، به صنایع در شرایط نوسانات شدید قیمتی مواد اولیه کمک کنند.
- **توسعه روابط بین‌الملل:** توسعه روابط با کشورهای دیگر و انعقاد قراردادهای بلندمدت می‌تواند به ثبات در تامین مواد اولیه و قیمت آنها کمک کند.

۳. تبعات منفی نوسان قیمت‌ها در اقتصاد

پیش از پرداختن به تبیین راهکارهای مقابله با نوسان قیمت‌ها در ابتدا لازم است روشن شود که اساساً تورم چه معضلی برای اقتصاد هر کشوری ایجاد می‌کند که با مهار تورم و کاهش نوسان قیمت‌ها در جستجوی حل آن هستیم، که در ادامه به اختصار توضیح داده می‌شود:

- **نااطمینانی**

نااطمینانی و در واقع عدم پیش‌بینی نوسانات متغیرها، یکی از مفاهیم مرتبط با موضوع عدم ثبات اقتصادی است. در شرایط عدم اطمینان در اقتصاد کلان، اندازه دولت‌ها بزرگ‌تر شده و نرخ رشد اقتصادی و تولید به دلیل کاهش منابع بخش خصوصی، حداقل در کوتاه‌مدت کاهش می‌یابد. افزایش حجم پول و نقدینگی و نوسان آن علاوه بر اینکه منجر به افزایش نرخ تورم می‌شود به‌عنوان یکی از عوامل بی‌ثباتی اقتصاد کلان نیز به حساب می‌آید. با توجه به اینکه بازار پول بسیار پویا است و نوسانات آن به سرعت در سایر بازارها سرریز می‌شود لذا در راستای ایجاد ثبات اقتصادی، کاهش نقش مسائل سیاسی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دولت تاثیر چشم‌گیری دارد.

- **کاهش انگیزه تولید و تخصیص منابع به زیان تولید**

تورم بالا از طریق بدتر کردن وضعیت توزیع تابعی درآمد سهم عوامل مولد را در نظام تولید کالایی محدود و کم می‌کند و سهم عوامل نامولد را بالا می‌برد. این امر موجب انتقال و چرخش منابع از فعالیت‌های مولد به سمت فعالیت‌های نامولد می‌شود.

- **فشار بر کسری بودجه دولت**

هزینه‌های دولت همراه با تورم افزایش می‌یابد اما درآمدهای دولت باوقفه‌های قابل ملاحظه‌ای نسبت به تورم تعدیل می‌شود. در نتیجه موجب شکاف میان هزینه‌ها و درآمدهای تحقق یافته می‌شود؛ ضمن اینکه تورم زمینه‌های فساد در دخل و خرج عمومی را هم افزایش می‌دهد.

- **توزیع درآمد به نفع طبقات بالا**

با توجه به اینکه دارایی و ثروت در میان دهک‌های اقتصادی به‌صورت یکنواخت توزیع نشده است، معمولاً دارایی خانوارهای دهک پایین توانایی پاسخگویی شرایط تورمی نیست بنابراین تورم شکاف ثروت بین دهک‌ها را افزایش می‌دهد.

- **تضعیف پول ملی**

براساس تئوری‌های برابری قدرت خرید و نظریه پولی تراز پرداخت‌ها موجب تضعیف پول ملی و افزایش نرخ ارز می‌شود. تورم‌های مستمر و بالا رقابت‌پذیری‌های فنی و نهادی را تضعیف و موجب کاهش مستمر و واگرایی ارزش پول ملی را فراهم می‌کند.

• افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاری

با وجود تورم و نوسان‌های قیمتی افق‌های تصمیم‌گیری محدود می‌شود. دلیل آن هم گسترش نااطمینانی و ریسک در پی تورم‌های نوسانی و نامتناسب است. ریسک‌های ایجاد شده موجب کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش هزینه‌های آن می‌شود (چن و همکاران^۶، ۲۰۲۴)

۴. دستیابی به ثبات قیمت‌ها

۱. حداقل‌سازی نوسانات نرخ ارز و جلوگیری از ایجاد تکانه ارزی

زمانی که با کمبود ارز مواجه می‌شویم، قیمت ارز بالا می‌رود و این امر مانند یک زنجیره بر قیمت نهایی تمام کالاها تأثیر می‌گذارد. این مولفه در پیش‌بینی‌پذیر بودن اقتصاد بسیار مهم است و بر تمامی مولفه‌های دیگر زنجیره تامین تا توزیع از جمله قیمت نهایی کالا تأثیر می‌گذارد.

- افزایش‌های ناگهانی نرخ ارز باعث ضرر و زیان زیادی بر فعالان اقتصادی می‌شود. تولیدکنندگان سفارشی را با یک نرخ ارز، نهایی می‌کنند اما با شوکی که بر قیمت مواد اولیه وارداتی وارد می‌شود، قیمت تولید نیز بالا می‌رود. طبیعی است که این امر تولید را از توجیه می‌اندازد و موجب بروز چالش بین تولیدکننده و سفارش دهنده می‌شود.
- وقتی تولیدکنندگان برای سفارش مواد اولیه محدودیت ارزی دارند و بانک مرکزی نمی‌تواند در تخصیص ارز پاسخگو باشد قاعدتاً تولید با نرخ‌های بالاتری به سرانجام می‌رسد و واحدهای تولیدی و صنعتی ناگزیر به افزایش قیمت کالا می‌شوند.

بنابر اهمیت مطلب بیان شده مهم‌ترین راهکار در کوتاه مدت در چارچوب ثبات بخشی به نرخ ارز در قالب اقدامات زیر است.

- تک‌نرخ شدن ارز و حذف هر نوع نرخ دستوری
- توسعه صادرات غیر نفتی برای رسیدن به سطح مناسب و باثباتی از ذخایر ارزی
- ایجاد قرارداد پایاپای (تاخت) به‌عنوان پوشش نوسانات ارزی در راستای کنترل و به حداقل رساندن ریسک

⁶ Chen and et al

۲. کنترل تورم از مسیر کنترل نقدینگی

افزایش حجم پول و نقدینگی و نوسان آن علاوه بر اینکه منجر به افزایش نرخ تورم می‌شود به‌عنوان یکی از عوامل بی‌ثباتی اقتصاد کلان نیز به حساب می‌آید. بنابراین کنترل رشد نقدینگی به‌منظور کنترل جریان هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازانه و همچنین کاهش تورم و افزایش ثبات اقتصاد کلان بدیهی است. به‌عبارت دیگر نظام بانکی می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های مناسب و هماهنگ با اقتصاد کلان، نقدینگی را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت کند که منجر به افزایش ثبات اقتصادی می‌شود.

۳. کنترل انتظارات تورمی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان

هرگاه صاحبان درآمد انتظار افزایش قیمت در آینده را داشته باشند، پول‌های خود را به سرعت به کالا تبدیل کرده و با افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات، پول‌های خود را به‌سرعت به کالا تبدیل کرده و با افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات، باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شوند. تولیدکنندگان نیز در مواقعی که انتظار افزایش قیمت‌ها را داشته باشند به ذخیره انبار خود افزوده و عرضه کالا و خدمات خود را کاهش داده و باعث افزایش قیمت‌ها می‌شوند. در اقتصاد تورمی ایران شوک‌های منفی طرف عرضه و تقاضا در شکل‌گیری انتظارات بسیار اثرگذار بوده و به‌صورت خود تاییدی یا خود تحقق‌یابنده عمل می‌نماید به‌عبارتی اگر مردم انتظار افزایش قیمت‌ها را داشته باشند رفتارهای اقتصادی‌شان مانند افزایش تقاضا و ذخیره‌سازی کالاها می‌تواند به تحقق این انتظارات و افزایش تورم منجر شود. مدیریت انتظارات از اهمیت بالایی در کنترل تورم و نوسان قیمت‌ها برخوردار است. اصلی‌ترین راهبرد جهت کنترل انتظارات تورمی، بهبود قطعی روابط سیاسی با کشورهای قدرتمند اقتصادی است چرا که انتظارات غالباً از شوک‌های طرف عرضه که مهم‌ترین آن‌ها تحریم است تبعیت می‌کند.

۴. پرهیز از هرگونه سرکوب قیمت و یا قیمت‌گذاری دستوری

در هر زمان برای هر کالا نوعی قیمت طبیعی وجود دارد که این قیمت طبیعی انعکاس امکانات و توان تولید کالا یا خدمت از یک طرف و تمایلات و سلايق مرتبط با مصرف آن کالا یا خدمت از طرف دیگر است که اقتصاددانان با استفاده از مفاهیم عرضه و تقاضا نشان می‌دهند. وجود قیمت طبیعی به ساختار بازار ارتباطی ندارد زیرا حتی در یک بازار انحصاری که فقط یک تولیدکننده وجود دارد نیز یک قیمت طبیعی وجود دارد. اگر در هر زمان قیمت طبیعی یک کالا تغییر کند، به آن معنی است که تعیین قیمتی غیر از قیمت طبیعی توسط سیاستگذار سبب نوعی اختلال در بازار آن کالا یا خدمت می‌شود که بدون تردید کاهش‌دهنده رفاه اجتماعی است. حتی موارد نادر و اجتناب‌ناپذیر اعطای یارانه به کالا نافی وجود زیان اجتماعی آن نیست، بلکه صرفاً یک تصمیم ناشی از مصالحه سیاسی گروه‌های شکل‌دهنده سیاستگذاری اقتصادی است. حال اگر در

کشوری تورم وجود نداشته باشد، قیمت طبیعی یک کالا یا خدمت هم دستخوش تغییر چندانی نمی‌شود و اگر هم دچار تغییر شود، انعکاس تغییراتی در نیروهای شکل‌دهنده عرضه و تقاضای کالای مذکور هستند و قیمت تغییر می‌کند تا این نیروها را در خود منعکس کند و قیمت طبیعی جدید را به تولید کنندگان و مصرف‌کنندگان اعلام کند تا هر کدام برنامه خود را با توجه به وضعیت جدید بازنگری کنند. در کشوری مثل ما که پیوسته نیروی تورمی در حال ایجاد است، قیمت طبیعی همه کالاها و خدمات در حال افزایش است و در عین حال دولت‌ها تلاش می‌کنند که مانع افزایش قیمت برخی کالاها و خدمات با اهمیت شوند و در عین حال با سازوکار تشدید رشد نقدینگی، نیروی تورمی را تشدید می‌کنند.

۵. ارتقای پایداری زنجیره تامین

ناکارآمدی نظام زنجیره تامین باعث کوچک‌تر شدن زنجیره ارزش می‌شود. یعنی لینک‌هایی که فاقد فرایند ایجاد ارزش در زنجیره هستند بیشتر از لینک‌های ارزش افزا می‌شوند. نتیجه‌ی این ناکارآمدی، کاهش سود عوامل مهم زنجیره و تجمع سود در بخش واسطه‌گری است که به نوبه‌ی خود گرایش به سمت واسطه‌گری به جای تولید را افزایش می‌دهد.

پایداری زنجیره‌های تامین در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی قابل پیگیری است که برای رسیدن به آن ایجاد رابطه کارآمد بین اعضای زنجیره تامین ضروری است. شاخصه‌ی کارآمدی یک زنجیره را میزان رضایت مصرف‌کنندگان تعیین می‌کند که همین شاخصه باعث افزایش رقابت بین تامین‌کنندگان شده و در نهایت دسترسی به محصول راحت، کیفیت بالا و قیمت مناسب حاصل خواهد شد.

۶. نظارت بر شبکه‌های عرضه کالا و مدیریت نظام توزیع

در حال حاضر به دلیل فقدان مکانسیم یکپارچه در بخش مدیریت تامین کالا، شبکه عرضه کالا با عدم شفافیت همراه بوده و این مساله موجب ظهور انواع واسطه‌های غیرضروری شده که هزینه دسترسی تولیدکنندگان به بازار را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر شاهد آن هستیم که در نظام توزیع هرزمان بی‌ثباتی در شرایط بازار رخ دهد، دولت ناچار به مداخله می‌شود و برای تثبیت شرایط بازار، به دو اقدام «تأمین و توزیع دولتی» و «قیمت‌گذاری» متوسل می‌شود که بسیار پرهزینه و معمولاً غیر اثربخش بوده و بر بی‌ثباتی بازار و قیمت‌ها اثرات منفی بر جای می‌گذارد.

۷. کنترل فعالیت‌های نامولد

تورم در اقتصاد ایران توزیع درآمد و تخصیص منابع را به نفع عوامل نامولد و به زیان عوامل مولد تغییر می‌دهد و اساساً بخش نامولد در اقتصاد ایران از ناحیه تورم تقویت می‌شود. ضمن اینکه این بخش نامولد مجدد در شکل‌گیری تورم‌های بالا و پیوسته تاثیرگذار است، در نتیجه محدود کردن آن در رشد و تولید و کاهش تورم موثر است که باید با نگاهی علمی و دقیق راهکارهایی برای کنترل آن‌ها طراحی و اجرا کرد.

۵. نتیجه‌گیری

رشد بی‌رویه قیمت‌ها یکی چالش‌های این‌روزهای اقتصاد ایران است. طی سال‌های اخیر تورم در کشور هر سال افزایش یافته و ضمن اینکه قدرت خرید مردم بسیار کاهش یافته است، صنایع و کسب‌وکارها نیز برای ادامه حیات و فعالیت خود با مشکلات متعددی مواجه روبرو شده‌اند. دولت بیش از هر مجموعه و واحد اقتصادی دیگر در کاهش نوسان قیمت‌ها و تورم نقش دارد. اما از طرفی تحلیل‌ها نشان می‌دهد مجموعه باز یگرانی که اثرگذاری بیشتری بر سیاست‌های تورمی دارند (دولت، بانک‌های تجاری و بدنه بروکراتیک دولت) به تداوم شرایط تورمی دامن زده اما در مقابل گروه‌های دیگری مانند دهک‌های پایین درآمدی خواستار کاهش تورم بوده و از چنین شرایطی متضرر می‌شوند اما قدرت و توان اثرگذاری بر سیاست‌های پولی و مالی را ندارند. از این رو باید یادآور شویم که ساختار اقتصادی و سیاسی کشور به تورم دامن زده و خروج از وضعیت فعلی با توجه به نهادها و گروه‌های متعدد دخیل به سادگی انجام نمی‌شود. علل ساختاری تورم مثل وجود قیمت‌گذاری دستوری، وجود انحصارات و ضعف فناوری تولید در اقتصاد ایران بسیار فعال است در واقع تورم هم از ناحیه فشار هزینه، تقاضا و هم به علل متعدد ساختاری ایجاد و تقویت می‌شود. بنابراین تورم در چنین شرایطی یک پدیده چند وجهی است. اصولاً برای چنین مشکل ساختاری پیچیده‌ای که در بلندمدت شکل گرفته، تداوم یافته و تقویت شده هیچ راه‌حل ساده و کوتاه مدتی وجود ندارد. بنابراین برای خروج از روند بلند مدت تورمی راهی جز اصلاحات نهادی وجود ندارد و پیشاپیش این انتظار را که می‌توان با تجویز سیاستی با اثرگذاری گسترده و سریع مشکل را برطرف نمود باید کنار گذاشت. اگر تحریم‌ها برداشته شوند سیاست‌های پیشنهادی این گزارش می‌تواند تورم بلندمدت و اینرسی کشور را کاهش دهد. در غیر این صورت سیاست‌های مذکور ممکن است کارایی و اثربخشی کمتری داشته و اصرار بر انجام آن‌ها ممکن است رکود را بر بخش تولید و سرمایه‌گذاری غالب کند. بنابراین شدیداً و اکیداً بر رفع تحریم‌ها و بهبود فضای سیاسی کشور توصیه می‌شود.

- Meisel, A., & Barón, J. D. (2010). A historical analysis of central bank independence in Latin America: the Colombian experience, 1923-2008. *Revista de Historia Economica-Journal of Iberian and Latin American Economic History*, 28(1), 83-102.
- MC Connell, Brue & Barbiero (1881), "Macroeconomics" Seventh Canadian Edition, Mc Graw-Hill Ryerson Printed and Bound in Canada
- Chen, Y., Dong, S., Qian, S., & Chung, K. (2024). Impact of oil price volatility and economic policy uncertainty on business investment-Insights from the energy sector. *Heliyon*, 10(5).
- Zhang, Q., Hu, Y., Jiao, J., & Wang, S. (2022). Exploring the Trend of Commodity Prices: A review and bibliometric analysis. *Sustainability*, 14(15), 9536.
- Keay, I. (2010). The Impact of Commodity Price Volatility on Resource Intensive Economies.
- Bredenkamp, H., & Bersch, J. (2012). Commodity price volatility: Impact and policy challenges for low-income countries. *Commodity Price Volatility and Inclusive Growth in Low-income Countries*, Washington, DC: International Monetary Fund, 55-67.
- Wanzala, R. W., & Obokoh, L. O. (2024). Sustainability Implications of Commodity Price Shocks and Commodity Dependence in Selected Sub-Saharan Countries. *Sustainability*, 16(20), 8928.
- Abaidoo, R., & Agyapong, E. K. (2024). Commodity price volatility, risk exposure and development of financial institutions. *International Journal of Emerging Markets*, 19(11), 4132-4154.
- Boateng, S. A., Karikari, F. A., Fumey, M. P., Asmah, E. E., & Winful, S. A. (2024). Understanding Global Commodity Price Shocks on Exchange Rates and Inflation in Emerging Economies: ARDL Perspective. *Journal of Economics, Management and Trade*, 30(5), 33-47.